

چهارشنبه 20 آذر 1392 - 8 صفر 1434 - 11 دسامبر 2013

همزمان با اوج تظاهرات مردمی ضد رژیم و درگیری‌های شدید مردم با مزدوران پهلوی در عاشورای 1357 ش، یک افسر، دو درجه دار و چهار سرباز مسلح، به ناهارخوری افسران ارشد ...



* 20 آذر در گذر تاریخ

* قتل عام افسران رژیم پهلوی در پادگان لویزان (1357 ش)

اشاره: همزمان با اوج تظاهرات مردمی ضد رژیم و درگیری‌های شدید مردم با مزدوران پهلوی در عاشورای 1357 ش، یک افسر، دو درجه دار و چهار سرباز مسلح، به ناهارخوری افسران ارشد پادگان لویزان در شرق تهران حمله کردند و با رگبار مسلسل، بیش از هفتاد نفر از افسران ارشد و درجه‌داران رژیم را کشتند. حمله کنندگان به جز یک سروان، بقیه کشته شدند. این اقدام متهورانه در بین نظامیان اثر زیادی بخشید و همه از جان خود هراسان شدند. دولت نظامی ارتشبد از هاری پس از وقوع این حادثه که در کنار گوش خود، در تهران، آن هم در یک محیط نظامی اتفاق افتاده بود، سعی کرد حقیقت این خبر در پادگان‌ها منتشر نشود ولی در همان دقایق اولیه، خبر به اطلاع همه رسید. در این اوضاع، شاه، بیش از هر کسی در وحشت فرو رفت و نسبت به جان خود بیمناک شد. از این زمان بود که رییس دولت احساس کرد که به هیچ وجه قادر به مهار کردن تظاهرات نیست و به زودی دولت او سقوط خواهد کرد.

* راهپیمایی میلیونی و باشکوه عاشورای حسینی علیه رژیم محمدرضا شاه پهلوی (1357 ش)

اشاره: تظاهرات میلیونی مردم در تهران و تمام نقاط کشور، همزمان با بزرگداشت شهادت سرور شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در عاشورای حسینی، بی‌نظیرتر از تاسوعا (دیروز) برپا گردید. این گروه‌های عظیم که در طول مسیر خود به سر دادن شعارهای سیاسی می‌پرداختند، در میدان آزادی تهران اجتماع کردند. پس از راهپیمایی روز عید فطر و تاسوعا، این تظاهرات، عظیم‌ترین اجتماع ضد دولتی مردم تهران به شمار می‌رفت. در پایان راهپیمایی، قطعنامه‌ای هفده ماده‌ای قرائت شد که در آن، بر سقوط و برچیده شدن بساط شاه، برقراری حکومت عدل اسلامی، رهبری حضرت امام خمینی (ره)، آزادی واقعی، اجرای عدالت اجتماعی و تامین حقوق مردم و جلوگیری از هرگونه سلطه‌گری تاکید شده بود که به تصویب میلیون‌ها نفر از مردم انقلابی رسید. اخبار این راهپیمایی که در صدر اخبار مهم جهان قرار داشت، جهانیان را متوجه این مطلب کرد که مردم ایران، رژیم سلطنتی را نمی‌خواهند و خواهان حکومتی اسلامی می‌باشند.

* شهادت استاد اخلاق آیت الله «سید عبدالحسین دستغیب» سومین شهید محراب در شیراز (1360 ش)

اشاره: آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب در سال 1292 شمسی (عاشورای 1332 ق) در شیراز در خانواده‌ای که 800 سال سابقه علم و فضیلت دارند متولد گردید. وی پس از سپری کردن مقدمات علوم اسلامی، در 22 سالگی به نجف اشرف مهاجرت نمود و در آنجا از محضر استادانی چون سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی و سید میرزا آقا اصطهباناتی استفاده نمود و پس از سالیانی اقامت در نجف، از بزرگان حوزه علمیه آن سامان، اجازه اجتهاد گرفت. در نجف روح جستجوگر آن شهید در پی یافتن صاحب‌دلی بود که او را به ودای ایمن برساند، تا آنکه سرانجام در محضر پرفیض استاد اخلاق، میرزا محمد علی قاضی تبریزی، آرامش یافت و از خواص استاد شد. آیت‌الله دستغیب همراه با قیام امام خمینی (ره) در سال 1341، مبارزات خویش را آغاز نمود و در 15 خرداد 1342 بازداشت و به تهران تبعید گردید. از آن پس چندین بار در مدت حکومت طاغوت بازداشت و تبعید شد. در طی این مقطع از مبارزات بود که ایشان به همراه چهار تن دیگر از علما، اعلامیه‌ای صادر و شاه را از سلطنت خلع نمودند. آیت‌الله دستغیب پس از پیروزی انقلاب اسلامی وظایف ارزشمندی را در نظام جمهوری اسلامی از جمله: نمایندگی مردم شیراز در مجلس خبرگان، امامت جمعه شیراز و نمایندگی امام خمینی (ره) در استان فارس به عهده گرفت. آیت‌الله دستغیب علاوه بر خدمات متعددی که صرف ساخت، تاسیس و بازسازی بناها و آثار خیریه نمود دارای تالیفات متعددی است که آدابی از قرآن، معراج، ایمان، گناهان کبیره، قلب سلیم، داستان‌های شگفت و... از آن جمله‌اند. این عالم وارسته و معلم اخلاق سرانجام در بیستم آذر 1360 ش برابر با چهاردهم صفر 1402 ق هنگامی که برای ادای نماز جمعه عازم محل برگزاری آن بود از سوی منافقین ضدانقلاب در 68 سالگی به شهادت رسید.

* رحلت عالم بزرگوار آیت‌الله «شیخ عبدالحسین غروی» (1373 ش)

اشاره: آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین چهرگانی غروی در سال 1289 ش (1328 ق) در خاندانی که سابقه سه قرن روحانیت و مرجعیت در منطقه آذربایجان داشتند در نجف اشرف به دنیا آمد. وی پس از طی دوران ابتدایی به فراگیری علوم حوزوی روی آورد و از استادان نامداری همچون حضرات آیات: حاج میرزا باقر زنجان، شیخ حسین اهری و شیخ ابوالحسن مشکینی بهره بُرد. آیت‌الله غروی در 22 سالگی راهی آذربایجان شد و به مدت سه سال از درس آیت‌الله انگجی استفاده نمود. از آن پس در درس آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی و سید محمد حجت کوه کمره‌ای در قم شرکت جست و به مدارج والای علمی دست یافت. آیت‌الله غروی پس از آن، در تبریز به تدریس و تعلیم و ارشاد مردم و توجه به مباحث اخلاقی اشتغال پیدا کرد و جوانان

را به اسلام اصیل رهنمون می‌ساخت. این عالم مجاهد در زمانی که اندیشه‌های ضد دینی و الحادی از جانب بی‌دینان در جامعه مطرح شده بود، با دلایل قاطع به دفاع از حریم دین پرداخت که بعدها با نام اسلام و شیعه به چاپ رسید. ایشان همچنین در مبارزات مردم تبریز به همراه عالمان آن دیار از قبیل حضرات آیات: شهید قاضی طباطبایی، سید محمدعلی انگجی و میرزا عبدالله مجتهدی شرکت فعال داشت و نام وی، همواره در ذیل اعلامیه‌های عالمان تبریز به چشم می‌خورد. آیت‌الله غروی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی مردم آذربایجان شرقی به عضویت مجلس خبرگان برگزیده شد و تا پایان عمر در این سنگر مشغول خدمت بود. سرانجام آن فقیه وارسته پس از عمری سرشار از خدمات دینی، در بیستم آذر 1373 ش در 84 سالگی جان به جان آفرین تسلیم کرد و پس از تشییعی با شکوه در تبریز و قم، در قم به خاک سپرده شد. در روز فوت ایشان، سه روز در آذربایجان شرقی عزای عمومی اعلام گردید و مجالس ختم باشکوهی تشکیل شد.

* رحلت فقیه اصولی و جامع معقول و منقول آیت الله «میرزا کاظم تبریزی» (1374 ش)

اشاره: فقیه اصولی، محدث رجالی و جامع معقول و منقول، آیت‌الله میرزا کاظم تبریزی از علمای مشهور حوزه‌های علمیه نجف و قم، در حدود سال 1299 ش (1340ق) در تبریز به دنیا آمد و در نوجوانی به تحصیل علوم دینی روی آورد. وی پس از گذراندن دروس مقدمات و سطح در 21 سالگی به نجف کوچید و از حضرات آیات: شیخ موسی خوانساری، شیخ محمدرضا آل‌یاسین، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمدکاظم شیرازی، سیدمحسن حکیم و سید محمود شاهرودی بهره‌هایی وافر برد. آیت‌الله تبریزی همچنین به مدت بیست سال از محضر درس فقه، اصول، رجال و تفسیر آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی استفاده کرد و از برترین تلامذهاش محسوب می‌شد. فرزانه تبریز، همزمان با تحصیل، به تدریس سطوح عالی و پس از چندی به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت تا این که در سال 1349 ش به قم آمد و یکی از پر بارترین مجالس درسی حوزه را تشکیل داد. آیت‌الله تبریزی بر علوم مختلف همچون: فقه، اصول، حدیث، رجال، تفسیر، تاریخ، ادبیات، ریاضیات، هیئت، هندسه، کلام، فلسفه و منطق تسلط فراوان داشت و با زبان‌های انگلیسی و فرانسه نیز آشنا بود. برخی از تالیفات فراوان او که سر به دهها مجلد می‌زند عبارتند از: شرح عروة الوثقی در 150 جلد، القواعد الفقهیه در 50 جلد، تطبیقات الوسایل در 20 جلد، الاصول الجدیدة در 10 جلد، الفقه المیسر و شرح اسفار. این عالم بزرگ سرانجام در 20 آذر 1374 برابر با 18 رجب 1416 ق در 75 سالگی درگذشت و در قم به خاک سپرده شد.

* درگذشت نادر دریابان، خبرنگار دفاع مقدس (1391ش)

اشاره: نادر دریابان، جانباز و پژوهشگر دفاع مقدس که در خرمشهر زندگی می‌کرد از روز ۱۲ آبان ماه به دلیل شدت گرفتن درد «کانال نخاعی» در بیمارستان حضرت رسول (ص) تهران بستری و در «بخش خون» این بیمارستان تحت درمان قرار گرفته بود که به علت شدت بیماری درگذشت. وی با وجود جانبازی در طول هشت سال دفاع مقدس، هیچگاه برای خود پرونده ای تشکیل نداد و در نهایت بر اثر ابتلا به بیماری «mm» که نوعی سرطان پیشرفته خون است با دنیای خاکی وداع گفت. وی یکی از خبرنگاران فعال حوزه دفاع مقدس در سراسر کشور به شمار می‌رود که همواره با گزارشهای ابتکاری و زیبای خود، اخبار در حوزه دفاع مقدس و جنگ را رونق می‌بخشید. دریابان مدتی نیز به عنوان مسئول مرکز فرهنگی دفاع مقدس خرمشهر منشا خدمات ارزشمندی بوده است. وی همچنین نقش ویژه ای در انتشار و انعکاس اخبار مربوط به حضور کاروانهای راهیان نور در مناطق عملیاتی استان خوزستان داشت و در ایام تعطیل ابتدای سال که همه مردم ایران به فکر تفریح و مسافرت بودند، کار وی به شدت اوج می‌گرفت. «صدام چگونه از مهلکه «عملیات کربلای 5» گریخت»، «اسیران ایرانی را پس از اعدام در بیابان رها می‌کردند»، «افشای کمکهای مالی کویت و عربستان به صدام در جریان «عملیات کربلای 5»، «شکنجه های صلیبی، آتش زدن اسرا، کندن پوست و شهادت اسیران ایرانی در منبعهای آب»، «سرهای غواصان اسیر ایرانی چگونه زیر تانکها قطع می‌شدند؟»، «شش هزار اسیر ایرانی به شکل فجیعی به شهادت رسیده‌اند» و «بعثی‌ها با «اره» از اسرای ایرانی بازجویی می‌کردند» از جمله مهترین عناوین گزارش های نادر دریابان در طول مدت فعالیتش در رسانه های کشور بوده است. نادر دریابان صاحب آثار و پژوهشهایی در دفاع مقدس مانند: پلاکهای بی جسم در سه جلد، صعود و سقوط صدام با حمایت امریکا در 60 جلد و کارنامه ناموفق بازسازی در یک جلد است. دریابان در جنگ دوم خلیج فارس که منجر به اشغال عراق شد تامین کننده اصلی اخبار در کشور بوده و در این حوزه بیش از هشت هزار خبر، عکس و گزارش و ترجمه داشته است.

* مذاکرات سه جانبه ایران، شوروی و آلمان برای صدور گاز به اروپا پایان گرفت (1353ش)

* 8 صفر در گذر تاریخ

* وفات «سلمان فارسی» صحابی بزرگوار پیامبر اسلام (35 ق)

اشاره: روزبه معروف به سلمان فارسی از اهالی منطقه‌ای جی در اصفهان بود که در ابتدا آیین زرتشتی و آتشپرستی داشت. وی بر اثر برخورد با دین مسیح به آن گرایش پیدا کرد و در راه عزیمت برای یافتن کیش برتر، راهی شام و سپس حجاز گردید. او را در این زمان به عنوان برده‌ای خرید و فروش کردند و سال‌ها قبل از هجرت پیامبر اکرم (ص)، در مدینه به کارگری برای یک یهودی مشغول بود. سالیان اولیه‌ی حضور پیامبر در مدینه نیز با این ایام همراه بود و او توفیق حضور در جنگ‌های پیامبر (ص) را نیافت. سلمان فارسی سرانجام به دین اسلام مشرف شد و پس از آن که پیامبر (ص) او را سلمان نام نهاد از نزدیک‌ترین یاران رسول خدا گردید. سلمان فارسی از صحابه‌ی بسیار نزدیک پیامبر بزرگ اسلام (ص) و دارای علم ظاهر و باطن و بسیار فاضل و پرهیزکار بوده است. از کثرت تقرُّبی که نسبت به آن حضرت و خانواده‌ی عصمت و طهارت داشته، پیامبر (ص) درباره‌ی او فرموده است: «السَّلمانُ مِنَّا اهل البیت» سلمان از ما اهل بیت است. طرح حفر خندق در جنگ احزاب از جانب این صحابی

بزرگ پیامبر اکرم(ص) بود. پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) در زمان خلیفه‌ی دوم به حکومت مداین برگزیده شد و تا پایان عمر به مدت 19 سال در این منصب بود. مرقد شریف این صحابی بزرگ پیامبر اسلام در مدائن، در پنج فرسخی بغداد، نزدیک طاق کسری قرار دارد.

* خلع «محمد بن عبدالملک زیات» از وزارت به دستور متوکل عباسی (223 ق)

اشاره: محمد بن عبدالملک زیات در دوره‌ی خلافت معتصم و واثق عباسی، وزارت را بر عهده داشت. وی تنوری ساخته بود که در آن میخ‌های آهنی وجود داشت و او مخالفین را در آن تنور شکنجه می‌داد. پس از واثق، متوکل عباسی به خلافت رسید. او پس از مدتی ابن زیات را از وزارت برکنار کرد و او را در داخل همان تنور حبس نمود. ابن زیات به مدت 40 روز در داخل تنور محبوس ماند تا این که جان سپرد.

* حمله‌ی آقامحمدخان قاجار به گرجستان (1209 ق)

اشاره: او پس از فتح کامل جنوب ایران در واقع مقر حکم رانی خویش را در تهران نهاد (آن را دارالخلافه نامید) در حالیکه پایتخت وی هنوز ساری بود؛ والی گرجستان به پشتوانه هم کیشی با روس‌ها اعلام استقلال نمود بنابراین آقا محمد خان در آوریل ۱۷۹۵ (فروردین ۱۱۷۴) برای آراگلی خان نامه‌ای ارسال و اشتباهات گرجیها در طی هشتاد سال گذشته را یاد آوری نمود و اعلام کرد در صورتی که والی گرجستان روابط خود را با روس‌ها قطع و از ایران اطاعت کامل نکند، به آنجا لشکر کشی خواهد نمود ولی آراگلی خان جواب نامه را نداد و خود را برای حمله با آقا محمد خان مجهز نمود. آقا محمد خان به گرجستان لشکر کشی کرد و با وجود مقاومت گرجی‌ها، آقا محمد خان در این نبرد پیروز میدان شد و آراگلی خان به تفلیس فرار کرد و آقا محمد خان قاجار برای یافتن او به تفلیس لشکر کشید. آراگلی خان همراه خانواده و بستگانش از تفلیس فرار کردند و به گرجستان غربی گریختند و آقا محمد خان تفلیس را فتح نمود. آقا محمد خان قاجار فاجعه کرمان را در تفلیس اجرا کرد و دستور به قتل و تاراج مردم داد. عده زیادی از روحانیون را در رود کورا غرق کردند و پنج هزار نفر از گرجیها را اسیر و شهر را ویران نمودند. آقا محمد خان پس از غارت مهمات و ذخایر جنگی آراگلی خان، از شهر خارج شد تا به دنبال آراگلی خان برود ولی با دریافت خبر طغیان اهالی شیروان که مصطفی خان دولو نماینده آقا محمد خان قاجار را به قتل رسانده بودند، به دشت مغان بازگشت. حاکم شیروان با آقا محمد خان پیمان دوستی و اطاعت داد و آقا محمد خان از تنبیه آنان صرف نظر نمود و با پانزده هزار تن از دختران و حتی پسران شهر که آنان را به اسارت گرفته بود به تهران بازگشت. اینان برای سواستفاده جنسی و نیز برای بردگی به ثروتمندان فروخته شدند.

* رحلت فقیه نامدار شیعه آیت الله العظمی «سیدابوالقاسم خوئی» (1413 ق)

اشاره: آیت‌الله العظمی سیدابوالقاسم خویی فرزند حاج سیدعلی اکبر در شب پانزدهم ماه رجب سال 1317 ق در خانواده‌ای اهل علم و دانش و تقوی در شهرستان خوی دیده به جهان گشود و در 13 سالگی برای تحصیل علوم اسلامی عازم نجف شد. ایشان از کودکی و نوجوانی به هوش و ذکاوت و استعداد معروف بود. آیت‌الله خویی در 21 سالگی به درس خارج مشغول شد و از بزرگانی همچون آیات عظام: کمپانی، عراقی، بلاغی، شیخ الشریعه‌ی اصفهانی و آقا سیدابوالحسن اصفهانی اجازه‌ی اجتهاد دریافت نمود. ایشان از جوانی به تدریس همت می‌ورزید و پس از اخذ اجتهاد، درس خارج خود را آغاز کرد. محفل درس آیت‌الله خویی پرجمعیت‌ترین درس حوزه‌ی نجف بود و فضیلتی بسیاری در حلقه‌ی درس این استاد بزرگوار حوزه پرورش یافتند. حضرات آیات عظام: ابوالفضل نجفی خوانساری، میرزا جواد تبریزی، حسین وحید خراسانی، سیدعباس خاتم یزدی، سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی، شهید سید محمدباقر صدر، سیدمحمود هاشمی شاهرودی، سید محمدحسین فضل الله و ده‌ها عالم بزرگ از جمله شاگردان این مرجع بزرگ شیعه در طول بیش از 60 سال تدریس می‌باشند. ایشان در تدریس بسیار چیره دست بود و با توانایی شگرفی آموزش می‌داد. هنگام تدریس، شمرده، فصیح، منظم و مرتب سخن می‌گفت و با پرهیز از زیاده‌گویی و حاشیه‌پردازی، درس را فشرده و سنجیده ارائه می‌کرد. از آیت‌الله خویی بیش از 25 دوره کتاب در موضوعات مختلف بر جای مانده است که مَعْجَمُ رِجَالِ الْحَدِيث و تفصیل الطبقات الرّواة در 23 جلد در علم رجال، تَفَحَاتُ الْاِعْجَاز فی رَدِّ حُسْنِ الْاِیْجَاز در علوم قرآنی و تکمله‌ی منهاج الصّالحین و... از آن جمله‌اند. معظم‌له همچنین موسسات خیریه‌ای در شهرهای مختلف دنیا دایر کرده است که شامل بناهای مسکونی، مسجد، حسینیه، کتابخانه، مدرسه و درمانگاه می‌باشد. آیت‌الله خویی سرانجام در سن 96 سالگی در حالی که از یک سال پیش از طرف حزب بعث خونخوار عراق در کوفه تبعید بود، در 8 صفر 1413 ق برابر با 17 مرداد 1371 ش دار فانی را وداع گفت و در مسجدالخضراء محل تدریس خود در نجف اشرف مدفون گردید.